

بازاندیشی زمینه‌های ناامنی در فرهنگ سیاسی عشایر عصر پهلوی: با تکیه بر تحلیل رمان کلیدر

سمیه حمیدی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

کاظم سرزهی، کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

از جمله مسائل مهم زندگی عشایر ایران، مساله امنیت بوده است. در دوره پهلوی به واسطه سیاست‌های یک‌جانشین کردن عشایر و برنامه‌های مدرنیزاسیون این رژیم، دغدغه ناامنی و بی‌ثباتی در زندگی ایلی تشدید شد که این امر در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی آنان موثر بوده است. مساله نوشتار حاضر بر این اساس است که ساختارهای سیاسی-اجتماعی چه نوع باورهایی را در عرصه فرهنگ سیاسی تولید می‌کردند که موجب بروز ناامنی در صحنه زیست ایلی می‌شد. دستاورد نوشتار حاضر آن است که فرهنگ سیاسی متأثر از فضای اجتماعی-سیاسی و باورهای فکری-فرهنگی معنایی که به عرصه زندگی ایلی تحمیل می‌کند؛ چیزی جز ناامنی نبوده است. ساخت ایلی در آن برهه زمانی ساختی بسته بود و ساختار اجتماعی-سیاسی آن زمان نیز در خود عناصری مانند غارت، چپاولگری، ضعف دولت در تامین امنیت، شخصی‌شدن قدرت و قانون، فساد نخبگان سیاسی را بازتولید می‌نمود. نوشتار پیش رو در تلاش است با بهره‌گیری از مدل تحلیلی بازاندیشی و مبتنی بر تفسیر انتقادی زمینه‌های ناامنی را در فرهنگ سیاسی عشایر عصر پهلوی با تکیه بر رمان کلیدر که از رمان‌های رئالیستی مهم سیاسی-اجتماعی آن دوران است مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، کلیدر، امنیت، هویت، عشایر

۱. مقدمه

ادبیات داستانی از جمله پایگاه‌های مهم بازتولید فرهنگ سیاسی است. از جمله رمان‌های مهم تاریخ ادبیات ایران کلیدر نوشته محمود دولت‌آبادی می‌باشد. این رمان که در مقام بلندترین رمان ایرانی قرار گرفته است؛ روایتی رئالیستی از زندگی مردم در یکی از روستاهای خراسان است. دولت‌آبادی تلاش می‌کند تا یکی از وقایع تاریخی که در این منطقه اتفاق افتاده را روایت کند. رمان سرنوشت سیاسی مردم ایران و خصوصاً مردم خراسان را در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷ بازگو می‌کند. این رمان علاوه بر بازتاب واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، نمایشی از نحوه مبارزه عشایر ایران با طبیعت و دولت را نشان می‌دهد. از جمله عناصر قابل توجه در این رمان نحوه پردازش ویژگی‌های فرهنگ سیاسی مردم و بازنمایی نحوه ناامنی در زیست ایلی است. از سوی دیگر رمان نمایش نحوه نگاه مردم به ساخت قدرت سیاسی را و نحوه برساخته‌شدن فرهنگ سیاسی را ذهنیت عشایر ایران نشان می‌دهد.

مساله نوشتار حاضر آن است که زمینه‌های ناامنی در فرهنگ سیاسی عشایر ایران متأثر از چه عواملی بوده است؟ فرضیه نوشتار حاضر بر این اساس است که ساخت مطلقه نظام پهلوی و ضعف در توسعه سیاسی از عوامل تداوم ناامنی و پیوندیابی امنیت و هویت در زیست عشایری ایران بوده است. در واقع ساخت یک سویه نظام سیاسی در تولید باورهایی مانند (بدگمانی، انتقام‌جویی، محدودبودن دایره اعتماد و روحیه خشونت‌جویی) در فرهنگ سیاسی عشایر موثر بوده است. هدف از پژوهش حاضر شناخت عناصر فرهنگ سیاسی ایران در عصر پهلوی است. علت

انتخاب رمان کلیدر به آن دلیل است که این اثر با رویکرد واقع‌گرایانه و بر مبنای زندگی ایلات ایران نوشته شده است.

درخصوص پیشینه پژوهش باید گفت که تاکنون کتاب‌ها و مقالات گوناگونی به بررسی رمان کلیدر پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها به *صدسال داستان نویسی در ایران* میرعبادینی، *نقد آثار دولت‌آبادی* از عبدالعلی دستغیب، نقد و تفسیر آثار محمود دولت‌آبادی نوشته محمدرضا قربانی می‌توان اشاره کرد. پایان نامه *بازآفرینی واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی در رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی (۱۳۷۵)* احمد رزاقی نیز به بازتاب سه زندگی عشیره‌ای، شهری و روستایی در این رمان می‌پردازد. اما هیچ‌یک از این آثار به بررسی فرهنگ سیاسی ایران در این رمان نپرداخته‌اند. در بررسی ادبیات فرهنگ‌سیاسی عشایر نیز باید به کتاب *فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۸۶)* نوشته محمود سریع‌القم اشاره کرد. این کتاب به بررسی مبنای تاریخی و عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران می‌پردازد و تاثیر فرهنگ عشیره‌ای را بر ساختار و نظام سیاسی ایران بررسی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه باورهای عشیره‌ای مانند انتقام‌جویی و اصل غلبه در فرهنگ سیاسی ایران بازتولید شده است..

۲. چارچوب نظری:

مدل تحلیلی بازان‌دیشی با تکیه بر رویکرد تفسیری بر این تاکید می‌کند که ذهن انسان با مراجعه دائم به واقعیت و بازسازی آن به درک جدیدی از واقعیت دست می‌یابد. بر اساس این مدل، بازان‌دیشی در چهار مرحله تجربی، تفسیری، انتقادی و انتقاد از خود صورت می‌گیرد. بازان‌دیشی فرآیند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روان‌شناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی است. آنتونی گیدنز به عنوان یکی از متفکران بازان‌دیشی، بر مقوله هویت تاکید دارد. او هویت را به هویت سنتی و فراستنی تقسیم می‌کند. هویت سنتی را زائیده ثبات و تداوم در طول زمان می‌داند. در این گونه از هویت، فرد با پیوستن به هویت جمعی امنیت و معنا می‌یابد (معینی علمداری، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۲). در هویت ایلی ایرانیان امری وجود دارد به نام عصیت و شبکه خویشاوندی که افراد با پیوستن به این شبکه از امنیت برخوردار می‌شوند و از حمایت‌های قومی بهره‌مند می‌شوند. بنابراین امر امنیت در زیست ایلی در پیوستن به شبکه هویت جمعی ایلی معنا می‌یابد. از سوی دیگر به علت محدود بودن دایره اعتماد در زیست ایلی موجب می‌شود که امنیت پایدار شکل نگیرد و زیست ایلی با پدیده ناامنی تصویری روبرو شود که از عوامل متعدد برای خود تهدید بسازد (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۳). از سوی دیگر مطابق این رویکرد امنیت متأثر از هنجارها و باورهای فرهنگی است. از این رو امنیت و هویت رابطه دوسویه دارد، امنیت برساخته‌ای از هویت و فرهنگ سیاسی است. اهمیت این گزاره از آن روست که فرهنگ سیاسی در جامعه ساخته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۳) و نحوه ایستارها و باورهای مردم را نسبت به ساختار سیاسی بازتاب می‌دهد. لذا ساختار سیاسی در برساختن فرهنگ سیاسی جامعه و به‌ویژه فرهنگ سیاسی عشایر نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای دارد. این مدل به دنبال پیوند ساختار عینی و عامل ذهنی در متن کلی واحدی است و بر مبنای معنای خاصی که از آن متن و زمینه آن تولید می‌شود؛ به تفسیر انتقادی از آن می‌پردازد. بر مبنای این مدل تحلیلی ما نیز در ابتدا سعی داریم به بررسی خصوصیات فکری و فرهنگی به عنوان عامل ذهنی و ساختارهای سیاسی- اجتماعی به عنوان ساختارهای عینی که در متن واحدی به نام فرهنگ سیاسی ایلی پیوست می‌یابند بپردازیم.

درخصوص فرهنگ سیاسی به معنای نحوه اثرگذاری متقابل فرهنگ و سیاست تعاریف مختلفی ارائه شده است. لوسین پای فرهنگ سیاسی را این چنین تعریف می‌کند: فرهنگ سیاسی نوعی قلمرو ذهنی نظم‌یافته برای سیاست ارائه می‌کند که می‌توان آن را در دو سطح سراغ گرفت. فرهنگ سیاسی به فرد همان راهنماهای کنترل‌کننده‌ای را که برای رفتار سیاسی موثر لازم است می‌بخشد و در اختیار جمع نیز نوعی ساختار سیستماتیک در ارزش و ملاحظات عقلانی قرار می‌دهد که انجام عملکردها و سازمان‌ها را تضمین می‌نماید (پای، ۱۳۷۰: ۳۹). از تحلیل و بررسی این

تعریف چنین به نظر می‌رسد که پای فرهنگ سیاسی را محصول تجربه فردی و جمعی در جریان حیات سیاسی می‌داند. پای همچنین بر این باور بوده که تمام فرایندهای اجتماعی را می‌توان برحسب ساختار، محتوا و جریان ارتباطات را بافت جامعه انسانی دانست. بر این اساس، او ساختار نظام ارتباطی را فصل‌بندی و استخوان‌بندی نظام جامعه می‌داند. همچنین از این تعریف استنباط می‌شود که ارتباطات در هنگام پیوند با سیاست و فرهنگ از این ویژگی بهره‌مند می‌شود که ارتباطات چه بصورت خواسته یا ناخواسته باشد کل روابط انسانی را در برمی‌گیرد. تعریف دیگری که از فرهنگ سیاسی صورت گرفته متعلق به سیدنی وربا است. وی بر این نظر بود که فرهنگ سیاسی منظومه‌ای از باورهای تجربی نسبت به نمادها و ارزش‌ها است که نحوه تحقق کنش سیاسی را مشخص می‌سازند. از نگاه او فرهنگ سیاسی نوعی نظام کنترل مرتبط با اعتقادات افراد است. وربا در ارتباط با اعتقادات و باورها توجه به ابعاد چندی از فرهنگ سیاسی و از جمله باورهای ملازم با سیاست، به ویژه نحوه نگاه شهروندان به دولت، همشهریان، درون‌دادها و عملیات حکومت و با فرایند تصمیم‌گیری، یعنی درون‌دادهای سیاسی را توصیه می‌کرد. او همچنین اعتقاد داشت که تمایز میان فرهنگ سیاسی و نظام فرهنگ کلی‌تر در جامعه، موضوع قابل‌تحلیلی است. از نگاه او باورهای بنیادین و الگوهای ارزشی فرهنگ، نقش اساسی در ساختن فرهنگ سیاسی دارند (همان: ۲۹). به عبارت دیگر فرهنگ سیاسی شامل آرمان‌های سیاسی و هنجارهای عمل در یک جامعه است. در ادامه تلاش می‌شود تا با تحلیل متن رمان نحوه نمایش ناامنی و عوامل موثر بر آن در زندگی عشایر خراسان نشان داده شود.

۳. خلاصه رمان کلیدر

کلیدر رمان حجیم و بلند ده جلدی است که در پنج مجلد و در ۲۸۳۶ صفحه، بزرگترین رمان ایرانی است که در فاصله سال‌های ۱۳۴۷ تا ۶۲ به رشته تحریر درآمد (میرعبدینی، ۱۳۷۷: ۳۹۹). دولت‌آبادی خود رمان را بیان حماسی یک واقعیت در کشور که باید بازگو و ثبت تاریخی شود، توصیف می‌کند (قنبری و حسینی پناه، ۱۳۹۱: ۶۴). رمان دارای سه زمینه فکری عشایری، روستایی و شهری است که با ورد دختر کردی به نام (مارال) آغاز می‌شود. مارال که زندگی خود را در میان قوم توپکالی‌ها از دست می‌دهد پدر و نامزد خود را که در زندان بودند قانع می‌کند که چون در میان محله امنیت ندارد، به نزد عمه خود (بلقیس) برود. بنابراین رمان با دغدغه امنیت شروع می‌شود مارال در عین داشتن نامزد با گل محمد پسر عمه خود ازدواج می‌کند. ماجرای گل محمد از آنجا شروع می‌شود که گل محمد به همراه (علی اکبر حاج پسند، خان عمو و مدیاری) سعی در دزدیدن صوقی، معشوقه مدیاری (دایی گل محمد) دارند. بنابراین شبانه به چارگوشلی حمله می‌کنند، در پی این حمله حاج حسین چارگوشلی کشته می‌شود پس از آن گل محمد دو امینیه دیگر که به بهانه مالیات ولی در حقیقت برای دستگیری گل محمد برای قتل چهار گوشلی آمده بودند را نیز می‌کشد.

از آن زمان گل محمد به عنوان یاغی از سوی حکومت مطرح می‌شود و در برابر حکومت مرکزی قرار می‌گیرد. دولت قشون نظامی برای سرکوب گل محمد می‌فرستد؛ اما قشون شکست می‌خورند. بنابراین دولت می‌خواهد با ابزار تامین حکومتی او را بدون خون‌ریزی از بین ببرد، اما مجدداً دولت شکست می‌خورد تا اینکه با اتحاد بین دولت و نیروهای اربابی گل محمد را شکست می‌دهند. داستان دارای دو زمینه دیگر با چهره‌هایی با نام‌های ستار پینه‌دوز به عنوان یک چهره روشنفکر چپ‌گرای شهری نیز هست که زمینه فرار گل محمد از زندان را فراهم می‌کند و شخصیت روستائی به نام آلاجاچی که به عنوان ارباب که بر مردم ظلم و ستم می‌کند (رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۳). از نکات حائز اهمیت در این رمان این است که چه عواملی سبب می‌شود تا گل محمد از یک شخصیت گوسفندار ایلی به شخصیت یاغی در برابر حکومت تبدیل شود. در رمان کلیدر سعی شده تا چهره گل محمد به عنوان قهرمان

ضد استبداد مطرح شود؛ در عین حال که از این زمینه نباید گذشت که رمان به بازتاب تحولات عشایری، روستایی و شهری ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷ و نحوه مبارزه مردم در برابر شرایط استبدادی نظام سیاسی نیز می‌پردازد.

۴. بازکاوی زمینه‌های ناامنی در متن رمان کلیدر

در بررسی زمینه‌های اجتماعی-سیاسی شکل‌گیری ناامنی باید به عواملی مانند (بدگمانی، کینه جویی، بدبینی، ترس از قدرت و امنیه‌ها، خوشیفتگی، بیم تعرض، ارجاع شرایط زندگی به عناصر خارج از اراده بشر (تقدیرگرایی) اشاره شده است. که در ادامه به تحلیل این عناصر در متن رمان می‌پردازیم.

- عناصر فرهنگ سیاسی در زیست ایلی

یکی از شرایط چوبان برای بر عهده گرفتن این شغل این است که مردم ایلات نسبت به چوبان بدگمان نباشند. چوبان "بدگمانی را از پیرامون خود زدوده باشد" بر مبنای این تفکر است که گله داران توپکالی زن عبدس (مادر مارال که مهتاو نام دارد) را در میان خود به گروگان گرفته بودند (دولت آبادی، ۱۳۶۰: ۱۹). در جای دیگری در توضیح بدگمانی باید گفت که زیور زن گل محمد، مارال را تهدید می‌کند که اگر گمان بد نسبت به شوهرش داشته باشد چشم‌های مارال را در می‌آورد رفتار مارال سبب شده بود تا زیور، نسبت به مارال بدگمان شود (دولت آبادی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۳۱).

بنابراین بدگمانی از عوامل اصلی شکست و رفتارهای خشونت آمیز در زندگی ایرانیان بوده است. چرا که روح کنش‌گری در فرهنگ سیاسی را مخدوش می‌کند و موجب بروز ناامنی‌های فکری و روانی می‌شود. بدگمانی موجب می‌شود تا افراد حفظ ظاهر و آبرو را مقدم بر همه امور بدانند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۷). دولت آبادی در توصیف حال مردم ایلات می‌گوید: "بیشتر مردم دروغ‌های آشکار یکدیگر را می‌بینند و در پویشی از لبخند - دروغ یکدیگر را از نگاه هم پنهان می‌دارند." این نشان آن دارد که مردم برای حفظ حاضر خود به هم دروغ می‌گفتند و این امر موجب بدگمانی افراد نسبت به هم می‌شده است. در این جا هویت ساخته‌شده مبتنی بر عادت‌کردن به دروغ‌های یکدیگر علاوه بر اینکه موجب بروز بدگمانی و ناامنی است، موجب بروز خشونت نیز می‌شود چون افراد یکدیگر را قبول نمی‌کنند و با هم به جدال می‌پردازند (دولت آبادی، ۱۳۶۳: ۴۰۲). در رمان کلیدر نمود یک مرد "بیمناک، بدگمان و خود اندیش" عمو مندلو است. زمانی گل محمد به هیزم‌کشی فکر می‌کند سعی می‌کند عمو مندلو را راضی کند که با هم به شهر سبزوار هیزم ببرند مندلو که تنها سفر می‌کرد راضی نمی‌شود و مردم ایلات که نسبت به هم بدگمان هستند سعی می‌کنند تا تنها زندگی کنند (همان، ۱۳۵: ۴۳۵). آن‌ها تصور می‌کنند با تنها زندگی کردن امنیت آنها تامین شود حال آنکه یکی از دلایل ناامنی در ایلات ایران فقدان ارتباط بین آن‌ها و انزوایابی بوده است.

کینه‌جویی به عنوان عامل بعدی در فرهنگ سیاسی عشایر است. از کشته شدن مدیاری در قلعه چهار گوشلی توسط نادعلی (فرزند حاج حسین چهار گوشلی) کلمیشی که پدر گل محمد است خبر کشته شدن مدیاری را برای فرزند کوچک خود (بیگ محمد) می‌برد؛ اما بیگ محمد هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد. بلقیس در سکوت بیگ محمد می‌گوید «من از همیشه بیم دارم. ... من از کینه‌های بی‌زبان بیم دارم. ... از خون. نمی‌خواهم خون، خون بیاورد» (همان: ۲۱۳). کینه‌جویی‌های قبیله موجب حس انتقام‌جویی و ناامنی گسترده می‌شود و این کینه‌جویی‌های ایلی ناشی از رقابت‌های قومی سبب می‌شود تا گل محمد چشم خود را به روی روابط فامیلی ببندد و علی اکبر حاج پسند (پسر خاله گل محمد) خود را بکشد (دولت آبادی، ۱۳۷۸: ۱۰۷۸). هم‌چنین ستار پینه دوز شخصیتی که در زندان به دنبال پیدا کردن راه فرار گل محمد از زندان است. ابتدا سعی می‌کند تا خصومت بین دلاور و گل محمد را از بین ببرد تا موجب جنگ در آینده نشود. علت این تلاش ستار متأثر از این عقیده وی بود که ایلیاتی‌ها اگر از کسی کینه به دل بگیرند به این آسانی فراموش نمی‌کنند. بنابراین کینه و دشمنی از عوامل اصلی به وجود آمدن جنگ‌های داخلی و

تعصبات قومی بوده است (همان: ۱۰۳۰). در واقع رفتار سیاسی مبتنی بر غریزه و کینه جویی متأثر از اصل غلبه بوده است. فرآیندهای ارتباطی (کلامی، عاطفی) بین ایلات وجود نداشته است؛ لذا استفاده از زور و قدرت نظامی به‌عنوان تنها روش حل اختلافات با دیگران مورد استفاده قرار می‌گرفته است (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۷۲).

عصر دیگر فرهنگ سیاسی عشایر، ترس از ماموران امنیه است. ظهور جلوه‌هایی از فرادستی و فرودستی در میان ایرانیان زمینه‌ساز بدبینی متقابل بین دولت و جامعه شده است. عدم توزیع قدرت (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۲) و نبود سازو کار مناسب مشارکت در قدرت از عوامل اساسی بدبینی است. ترس از ماموران امنیه ناشی از سلسله مراتبی بودن قدرت در نظام سیاسی و اجتماعی است. رفتار ناپسند ماموران امنیه با مردم در صحنه‌های گوناگونی از رمان کلیدر بازتاب داده شده است؛ مانند زمانی که ماموران امنیه برای پیدا کردن قاتل حاج حسین چهارگوشلی میان ایلات به جست و جو می‌پردازند تا آنکه به چادر کلمیشی‌ها می‌رسند؛ اما بلقیس بال‌های چادر را به نشانه ترس پایین می‌اندازد. ماموران امنیه پس از جست و جو به بلقیس می‌گویند "خاله بی بی، تو هم بعد از اینکه ما را دیدی دهنه چادرت را نبند، ما آدم خوار نیستیم" (دولت‌آبادی، ۱۳۶۳: ۲۶۰-۲۵۹).

یکی از دلایل اصلی که گل محمد، از صوقی می‌خواهد که از میان چادر کلمیشی برود همان ترس از با خبردار شدن ماموران امنیه از قتل چهارگوشلی بوده است (همان، ج ۱: ۳۳۵) و زمانی که ماموران مالیاتی سر چادر کلمیشی‌ها می‌روند، زیور آن‌ها را به درون چادر راه نمی‌دهد. ماموران مالیاتی خطاب به زن گل محمد می‌گوید: "نکند خیال کردید ما گرگیم" و یا عبارت "ما شاخ داریم آمده ایم بخوریمشان" را به کار می‌برد (همان: ۶۶۲-۶۵۱). ترس مردم از ماموران دولتی ناشی از نوعی کنش شناختی و ادراکی بوده است که در ذهن مردم، به وجود آمده که موجب جدایی بین مردم ایلات و ماموران نظامی شده است. در فرهنگ سیاسی ایلی ایرانیان امنیه و قشون مساوی (غارت، چپاولگری، ظلم و ستم، زدن و کشتن و...) تصور می‌شد. بنابراین بر مبنای این ترس دائم، ایلات با امنیه در جنگ و ستیز بودند. این تصور جنگ و گریز موجب فقدان اعتماد و امنیت متقابل بین ایلات و امنیه‌ها می‌شد است، مانند زمانی که استوار علی اشکن برمبنای این تصور (جنگ و گریز بین ایلات و دولت) یقین می‌کند که امنیه‌ها توسط ایلات کشته شده‌اند و انگیزه اصلی این کار هم تفنگ‌ها و اسب‌های امنیه‌ها بوده است (همان: ۷۴۵-۷۵۳). به عبارتی دیگر ذهنیت ترس‌آلود عشایر از ماموران دولت مرکزی، سبب نوعی بی‌اعتمادی و ترس نسبت به نظام سیاسی و نوعی بدبینی نسبت به دولت به عنوان نماینده و حافظ منافع خود به وجود آورد. لذا نوعی انقطاع ارتباطی میان دولت با عشایر به عنوان بخش مهمی از بدنه اجتماعی کشور در این دوره وجود دارد.

خودشیفتگی و خودپسندی به عنوان عنصر دیگر فرهنگ سیاسی، مولود تشدید عارضه ناامنی در ذهنیت ایلات ایران می‌شد. در واقع رشد شخصیت خودپسند حاصل شرایط ناامنی و ناکامی است. فرد خودشیفته خود را یک ایده آل کامل می‌داند که این امر ناشی از ذهنیت مطلق است. بنابراین توانایی‌هایی چون ارتباط عاطفی با جهان را از دست می‌دهد و عواطف خصومت‌گرا و دشمن‌ستیز در او بروز می‌کند (مفیدی، ۱۳۹۳: ۷-۹). شخصیت خودشیفته امنیت خود را از ناحیه محیط پیرامونی در خطر می‌بیند، نمود بازتاب این شخصیت در رمان کلیدر با بقلی‌بندار کدخدای قلعه چمن است. وی چون یک شخصیت خودشیفته و خودپسند بود، به مردم قلعه چمن اعتماد نداشت؛ بنابراین مباشران خود را مانند (ماه درویش و شیرو قربان بلوچو و حتی زنش) را از خارج قلعه چمن انتخاب می‌کند.

خودشیفتگی که ناشی از قدرت‌زدگی انسان است سبب می‌شود تا شخصیت افراد خودمدار شوند. زمانی فرد خودشیفته تولید ناامنی اجتماعی می‌کند که به علت ترس از دست دادن قدرت، منافع جمع را فدای منافع فردی می‌کند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۸۳) چرا که خود را برتر از جمع می‌پندارد.

با بقلی‌بندار که نمونه این شخصیت بود پس از گرفتن حکم کدخدایی آن را با فخر تمام نشان گل محمد می‌دهد و پس از این که به قلعه چمن می‌رسد؛ مردم را به خانه خود دعوت می‌کند تا حکم کدخدایی خود را به مردم اعلام

کند و مردم نیز در انتهای مجلس به ستایش از قدرت و شخصیت بندار پردازند. بندار به عنوان یک شخصیت خوددشمنانه در طول رمان موجب می‌شود تا در چند جا منافع و امنیت فردی خود را مقدم بر منافع و امنیت مردم قلعه چمن بدانند (دولت آبادی، ۱۳۶۸: ۵۸۸). مانند زمانی که برای منافع فردی به معامله تریاک با افغان‌ها (بیگانه) می‌پردازد و این معامله در آینده موجب تهدید امنیت مردم قلعه چمن می‌شود. با این وجود بندار مردم را وسیله حفظ قدرت و ثروت خود قرار می‌دهد. چنان که یکی از مردم قلعه چمن در اعتراض به اقدامات بندار می‌گوید «قلعه چمن مال تو نیست. بی خودی هم در قلعه چمن آتش روشن مکن. مردم قلعه چمن کنیز و غلام تو نیستند که به جان و مالشان آتش بیندازی» (دولت آبادی، ۱۳۷۸: ۹۸۳). لازم به ذکر است که نویسنده در اینجا زیرکانه نقد فرهنگ سیاسی نخبگان می‌پردازد. از یک سو نخبگان ایلات که در جهت منافع خویش عمل می‌نمایند و از سوی دیگر نویسنده با زبانی استعاره‌ای اقدامات محمدرضا پهلوی در حفظ حکومت خویش به واسطه اتکا به بیگانه و معامله بر سر نفت و منافع ملی با آن‌ها را تلویحا اشاره می‌کند. در واقع مراجع قانونی و امنیتی در ذهنیت عشایر، عناصری غیرقابل اعتماد و خائن تلقی شده‌اند.

یکی از عوامل فکری دیگری که در بروز شرایط ناامنی در فرهنگ سیاسی ایلات ایران موثر بوده است؛ عامل ترس بوده است. این گزاره ذهنی که در گفتمان زندگی ایلی نقش مهمی بازی می‌کرده است پیامدهایی همچون رشد ذهنیت توطئه محور افراد به یکدیگر را در پی داشته است. ترس مبتنی بر ذهنیت توطئه محور مانند زمانی که کلمیشی برادر خود را (خان عمو) نصیحت می‌کند که اگر او با گل محمد همکاری نمی‌کرد گل محمد امنیه‌ها را نمی‌کشت. خان عمو با حالت ترس جواب می‌دهد نقشه کشتن امنیه‌ها مال گل محمد بود و کلمیشی می‌خواهد برایش "پاپوش" درست کند. این گفته نشان می‌دهد که ذهنیت توطئه ناشی از ترس روانی در درون زندگی خانوادگی ایلات حضور موثری داشته است که موجب بروز اختلاف و ناامنی در زیست ایلی شده است (همان: ۸۹۲) و یا در صحنه دیگری نادعلی پس از اینکه اموال خود را به آلاحاقی و بابقلی بندار، دایی خود، می‌فروشد تصور می‌کند که دایی وی سرش را کلاه گذاشته است و بنابراین به دایی خود (دیوژ) می‌گوید (همان: ۱۳۲۳). دیوژ در واقع همان نیروی خارج از اراده شخص بوده است که بر فرد تحمیل می‌شده است. بیان این عبارت از سوی او شدت ترس و ناامنی‌اش را می‌رساند.

- زمینه‌های فرهنگی ناامنی در زیست ایلی

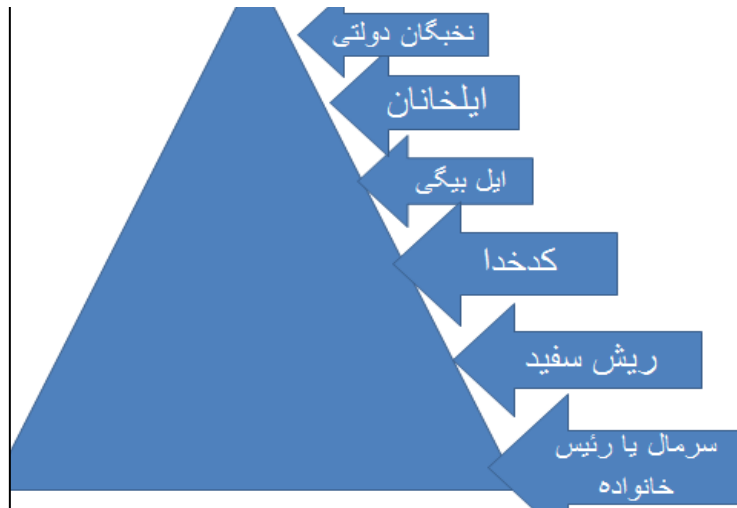
در بررسی زمینه‌های فرهنگی ناامنی در زیست ایلی می‌توان به (ضعف اعتماد داخلی، خشونت‌گرایی قبیله‌ای و فرصت‌طلبی) اشاره کرد. تفاوت زمینه‌های فکری با فرهنگی آن است که زمینه‌های فکری بیشتر یک باور فردی است و در روابط بین فردی بیشتر تاثیر گذار است؛ اما باورهای فرهنگی بر سطح جامعه تاثیر گذارند. مانند آنکه بسیاری از محققان معتقدند که اغلب ایرانی‌ها با پدیده بدبینی و پارانویید روبه رو هستند؛ بنابراین اعتماد در میان ایرانیان امری نادر است (مفیدی، ۱۳۹۳: ۱۰).

اما محدود بودن دایره اعتماد (ضعف اعتماد داخلی) در زندگی ایلی متأثر از فرهنگ ایلی بوده است؛ به گونه‌ای که به قدرت رسیدن یک ایل به معنای حذف ایل دیگر بوده است. این ویژگی فرهنگ سیاسی ایلات ایران متأثر از خویشاوندگرایی و عصبیت ایلی و تعلق شدید افراد به اصل عصبیت و خویشاوندگرایی برای حصول امنیت بوده است. در واقع فرد از طریق وابستگی به شبکه خویشاوندی، از حمایت دیگر اعضا برخوردار می‌شد. اعضای ایل مبنای قضاوت خود را اصل خویشاوندگرایی قرار می‌دادند. منطق این نوع نگرش امنیت بوده است که ایلات برای رسیدن به امنیت به سازماندهی درونی خود بر اساس نسب می‌پرداختند و عشایر برای حفظ امنیت و حریم خود مجبور بودند تعصب درون عشیره‌ای خود را حفظ کنند (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۷). محدود بودن دایره خویشاوندی موجب آن می‌شد؛ تا دایره اعتماد نیز محدود باشد و فلسفه کسب قدرت در زندگی ایلی برای کسب امنیت و دفع

خطر پای‌ریزی شود (مفیدی، ۱۳۹۳: ۲۸). مانند زمانی که علی اکبر حاج‌پسند پس از به دام انداختن گل محمد و تحویل او به ماموران امنیه، از آن‌جا که علی اکبر حاج‌پسند راز کشته شدن امنیه‌ها به دست گل محمد را به دولت اطلاع می‌دهد؛ امنیت خود را از جانب گل محمد در خطر می‌بیند. متعاقب این از دولت تفنگ می‌گیرد و رابطه خود را با ماموران دولت نزدیک‌تر می‌کند و با دادن رشوه هم حمایت دولت را برای خود جلب می‌کند و هم افراد مزاحم کار خود را حذف و امنیت خود را تامین می‌کند (همان: ۱۰۷۴).

بی‌اعتمادی تنها بین خود عشایر نبوده است، بلکه دولت و نخبگان سیاسی نیز به مردم ایلات بی‌اعتماد بودند. مانند زمانی که ماموران مالیاتی برای گرفتن مالیات به چادر گل محمد می‌روند و با وجود آنکه وضعیت زندگی فقیرانه گل محمد را می‌بینند؛ به گفته‌های او اعتماد نمی‌کنند و تاکید می‌کنند که گل محمد باید با ماموران امنیه به شهر بیاید. او می‌گوید "من که هر سه روز یک بار شهر هستم خودم می‌آیم. ماموران تاکید می‌کنند که باید خودشان گل محمد را به شهر ببرند" صورت قانونش این است؛ "در واقع این امر ناشی از عدم اعتماد ماموران امنیه به او می‌باشد. گرایی یکی از ماموران امنیه به چمنداری فرمانده خود می‌گوید که "مردم این ایل نان خوردنشان را نیز ندارند و چیزی ندارند که به من و تو بدهند" اما چمنداری تاکید می‌کند که "من این جماعت را بهتر می‌شناسم. جماعت عشایر بدون ذخیره نمی‌تواند روزش را شب کند". این دیالوگ فقدان اعتماد ماموران امنیه نسبت به مردم رانشان می‌دهد. زمانی که گل محمد حرف‌های ماموران امنیه را پشت چادر می‌شنود با خود می‌گوید؛ "دزدان بی‌غیرت" و در ادامه گرایی می‌خواهد جهت اطمینان بیشتر به دستان گل محمد دستبند بزند تا فرار نکند. از همین رو گل محمد نیز به کشن ماموران امنیه فکر می‌کند. تصور بی‌اعتمادی متقابل بین ماموران امنیه و مردم موجب می‌شود تا ماموران امنیه فکر کنند که آن‌ها از ترس اموال خود را جمع کرده و در محل امنی نگه می‌دارند و مردم نیز به ماموران دولتی به - عنوان افراد چپاول‌گر و دزد نگاه می‌کنند (دولت آبادی، ۱۳۶۳: ۶۹۲-۶۷۳). بنابراین حکومت نسبت به جامعه بی - اعتماد و متقابلاً جامعه نسبت به حکومت بی‌اعتماد بود. این بی‌اعتمادی سبب تضاد بین دولت - جامعه و نخبگان سیاسی شد. گاستیل معتقد است که در این فرآیند بی‌اعتمادی، حکومت دشمن مردم فرض می‌شود و مردم نیز به دلیل بی‌اعتمادی جلوه‌هایی از خصومت و ستیز را نسبت به ساختارهای حکومتی بروز می‌دهند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

لازم به ذکر است که اعتماد سیاسی پدیده پیچیده‌ای است. اولین بعد آن، اعتماد به دولت است. اما چون در نگاه ایلات دولت جوانان ایل را به اجباری "سربازی" و جنگ در راستای منافع خود و نه منافع ملی می‌برده و یا بر مردم مالیات و خراج ناعادلانه وضع و عشایر را سرکوب می‌کرده، رابطه بین مردم و دولت در یک حالت سلسه‌مراتبی و خصومت آمیز شکل گرفت که صرفاً بی‌اعتمادی و ناامنی را تولید می‌کرد. شکل حاد این عدم اعتماد به دولت "کلبی مسلکی" است یعنی فرد نسبت به دولت در سوءظن مطلق قرار دارد (شریف، ۱۳۸۱: ۹۱). این سوءظن و به دنبال آن ترس و عقده حقارت درونی ناشی از مراحل اولیه جامعه‌پذیری و بی‌اعتمادی در روابط انسانی است که موجب می‌شود فرد برای تامین امنیت خود دست به طغیان عصبی بزند و یا راه فرصت‌طلبی را در پیش بگیرد (همان: ۲۹). در واقع فرد به جای آن‌که دولت را حافظ منافع و امنیت خود بداند؛ آن را مهم‌ترین عامل به خطر افتادن حیات خویش نیز تلقی می‌کند. گل محمد از آن شخصیت‌هایی است که سوءظن وی نسبت به دولت سبب می‌شود تا برای تامین امنیت خود در برابر دولت، راه طغیان علیه آن را برگزیند و با بقلی بندار فرصت‌طلبی را در پیش گیرد. از زاویه جامعه‌شناختی، بی‌اعتمادی در فرهنگ سیاسی ایران ناشی از عدم تحرک سیاسی - اجتماعی و شکننده - بودن ساختار سیاسی - اجتماعی و سلسله‌مراتبی بودن آن بود. زونیس بی‌اعتمادی را حاصل ضعف و احساس قدرت محدود می‌داند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۴) که در ساختار ایلی ایران به علت حالت سلسه‌مراتبی بودن تحرک از برخی گرفته شد؛ از این رو احساس بی‌قدرتی و ناامنی در آن‌ها تقویت شد.



بر این مبناء است که زندگی ایلی در یک ساختار سلسله مراتبی تعریف می‌شود که امنیت و قدرت نیز بر مبناء این ساختار توزیع شده است (طیبی، ۱۳۷۴: ۱۶۴). این ساختار سلسله‌مراتبی به همراه، فرهنگ قبیله‌ای سبب شده است تا (ثروت، قدرت و علم) در یک شخص به نام کدخدا جمع شود و امنیت کدخدا نسبت به زیردستانش مطلق بود؛ اما در مقابل نسبت به نخبگان دولتی هیچ نیرو و قدرتی نداشت. لذا کدخدا امنیت خود را در سایه قدرت نخبگان دولتی تعریف می‌کرد (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۲۷). به عبارت دیگر، اطاعت از سلسله‌مراتب قدرت صرفاً ناشی از عرف و احترام به سنت‌های ایلی نبوده است؛ بلکه فرد با احترام به سلسله‌مراتب قدرت، امنیت خود را تامین می‌کرد.

عامل فرهنگی دوم روحیه جنگ‌آوری و ستیزه‌جویی میان عشایر بوده است؛ چرا که اصل تنازع برای بقاء بر زندگی آنان حاکم بود و این روحیه ریشه در حفظ امنیت عشیره‌ای داشت. بنابراین عشایر برای دفاع از موجودیت و حیثیت عشیره در پی افزایش قدرت خویش بودند. محور اصلی خشونت قبیله‌ای این تفکر بوده است که هرکس با ما نیست علیه ماست. ایلات تلاش می‌کردند تا با حاکم کردن اصل غلبه و توازن وحشت، امنیت خود را تامین کنند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۷). فرد به رقابت‌های قومی با دید خصومتی و هویتی می‌نگریست؛ لذا به دنبال حذف فیزیکی و اصل غلبه بود و این اصل را بر نظام سیاسی نیز تسری می‌داد (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۳۰).

در فرهنگ ایلی ایران، سرکردگان قبایل که قدرت را به دست می‌گرفتند؛ مراقب رفتار سایر قبایل رقیب بودند تا نافرمانی نکنند (شریف، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۵). اگر به بررسی موارد عینی در رمان کلیدر بپردازیم مهم‌بودن و قابل ارزش-بودن تفنگ نشانه روحیه خشونت‌گرایی در میان قبایل است. علی اکبر حاج‌پسند برنامه‌دزدیدن صوقی را ترتیب می‌دهد و به گل محمد می‌گوید که او هم با آنان به چهار گوشلی بیاید شاید "دست به تفنگ ببریم" (دولت آبادی، ۱۳۶۳: ۱۰۷). پس از رفتن گل محمد به سمت چهار گوشلی بلقیس (مادر گل محمد) پندارش به این سمت می‌رود "جدال و خون. پژواک صفیر گلوله در تهیگاه کوهستان. تفنگ و تیر" (همان: ۱۲۵). گل محمد به چهار گوشلی می‌رسد و دست به تفنگ می‌برد. در این جریان مدیاری و حاج‌حسین چهار در گوشلی کشته می‌شد و گل محمد و دیگران فرار می‌کنند؛ اما مردم به دنبال آنان می‌آیند "آیین ستیز. چون تو پشت کردی دشمن رو می‌کند. حاج‌پسند تاکید می‌کند که نباید آن‌ها را بشناسند چون اگر بشناسند برای آنان "چاقو دسته می‌کنند" (همان: ۱۰۵-۱۷۵).

نمونه دیگر روحیه خشونت‌گرایی قبیله‌ای، کشتن ماموران امنیه توسط گل محمد و ماجراهای بعد از آن است. کلمیشی گل محمد را نصیحت می‌کند که نباید امنیه‌ها را می‌کشد و گل محمد تاکید می‌کند قانون جنگ، کشتن است و مالیات گرفتن ماموران امنیه نیز نوعی جنگ تلقی می‌شود، خان‌عمو نیز تاکید می‌کند که کار ما در تمام عمر جنگیدن بوده است جنگیده‌ایم تا کشته نشویم (همان: ۷۳۱). خان‌عمو در جایی دیگر می‌گوید ما مرد جنگ و تفنگیم زندگی ما کشتن و جنگیدن است (همان: ۸۹۴). چنان که در ادامه دولت به گل محمد پیشنهاد تامین حکومتی می‌دهد

اما قبول نمی‌کند. هرچند تامین حکومتی ابزاری بوده تا گل محمد را به روش غیرخون‌رویزی نابود کنند. اما یک دلیل می‌تواند این باشد که جنگ گل محمد با دولت، ناشی از روحیه ستیزه‌جویی ایلات با دولت بود. گل محمد اموال و گوسفندان خود را در اثر بی‌توجهی دولت از دست داده، خواهرش (شیرو) به کلفتی آلاچاقی درآمده و در اثر فقر اقتصادی مجبور می‌شود برای پول قرض گرفتن به نزد افراد زیادی برود، اما به او پول ندهند. بیگاری و هیزم‌کشی خودش و بیگ محمد (برادرش) و مالیات خواستن دولت همه این عوامل سبب می‌شود تا گل محمد به فکر ستیزه‌جویی و انتقام‌جویی از دولت باشد.

در ذهنیت ایلات عصر پهلوی دولت به مثابه یک تهدید است نه عامل برقراری و تامین امنیت. شاید بخشی از این تصور نسبت به دولت ناشی از اقدامات خود دولت در جهت از بین بردن زندگی ایلی درست باشد. اما باید تاکید کنیم که دغدغه امنیت در برابر دولت برای ایلات یک دغدغه اساسی بوده، چون ایلات دولت را رقیب خود می‌دانستند و روحیه ستیزه‌جویی آنان موجب می‌شد تا دست به اقدامات خشونت‌آمیز علیه آن بزنند. در عین حال این را نباید نادیده گرفت که این عوامل متأثر از رفع شرایط خفقان‌آور پهلوی اول و به وجود آمدن شرایط نسبتاً آزاد سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷ است. چرا که در دوره پهلوی اول عشایر سرکوب شدند و رضاشاه در جهت از بین بردن هویت عشایر اقدامات سرکوب‌گرایانه زیادی را انجام داد. اما پس از به وجود آمدن شرایط نسبتاً باز سیاسی ایلات احساس می‌کنند دوباره می‌توانند هویت خود را احیاء کنند. بنابراین دست به اقدامات خشونت‌آمیز زدند و اعتراض علیه دولت را یک ارزش تلقی می‌کردند (رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۴). بنابراین این عوامل یکی از دلایل اصلی بروز بی‌ثباتی و ناامنی در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷ در تاریخ سیاسی ایران است. همان نکته‌ای که کاتوزیان از آن به عنوان دور باطل استبداد، شورش و بی‌نظمی عمومی در تاریخ سیاسی ایران یاد می‌کند که هرج و مرج و بی‌نظمی جایگزین حکومت استبداد می‌شود و بی‌نظمی و بی‌قانونی موجب افزایش ناامنی و بی‌ثباتی می‌شود. جامعه برای کسب نظم و امنیت به دامن استبداد پناه می‌برد.

– زمینه‌های اجتماعی ناامنی در زیست ایلی

بروز ناامنی در زیست ایلی ایران متأثر از ساختار اجتماعی آن زمان نیز بوده است. چون عوامل اجتماعی و سیاسی تاثیر مستقیم بر فرهنگ سیاسی دارند، لذا سعی می‌کنیم تا عناصر اجتماعی حاکم و تاثیرگذار بر زندگی ایلی را توضیح داده و سپس به تفسیر آن در رمان کلیدر بپردازیم.

دولت آبادی عوامل اجتماعی موثر در بروز ناامنی در زیست ایلی را شامل دزدی و چپاولگری ناشی از خشکسالی و فقر اقتصادی برمی‌شمرد. بلقیس که به کار درو کردن گندم در سوزن ده مشغول بود و گندم‌های بی بار و کم دانه را درو می‌کند و شب آن‌ها را به سوزن ده می‌آورد و در خانه قرار می‌دهد چنان که بلقیس از بیم دزد، چادرشب‌های گندم را به درون‌خانه می‌کشانند و دزدی چنان در جامعه ایلی رونق داشته است که از نظر بلقیس دزدان به چهار خوشه بدون دانه نیز رحم نمی‌کردند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۳: ۱۲۶). تصور دزد چنان در ذهن مردم جای گرفته بوده است که اجازه فکر کردن به چیز دیگری را به آن‌ها نمی‌داد. مانند زمانی که حاج حسین چهار گوشلی صدای مدیاری را پشت خانه خود می‌شنود فریاد می‌زند "دزد بی غیرت..." (همان: ۱۶۷). دزدی تنها مختص افراد فقیر نبود؛ بلکه فرد ثروتمندی همچون علی اکبر حاج پسند نیز دست به دزدی میزد که با (خان محمد) برادر گل محمد به دزدی می‌رفته است (همان: ۱۰۷). زمانی که گوسفندان خان عمو در اثر بیماری می‌میرند و فقر او را فرا می‌گیرد، دست به دزدی می‌زند و از گل محمد می‌خواهد که تفنگ خود را نیز به او بدهد تا دزدی او آسان‌تر شود و در عین حال خان عمو گلایه می‌کند که، دست‌ها نیز زیاد شده‌اند؛ پشت هر "کالی" چاله‌ای چهار تا دزد خوابیده است. اما گل محمد به سرزنش خان عمو می‌پردازد. اما او می‌گوید "ما می‌خواهیم گوشت را از گرده گاو بکنیم" منظور دزدی از اربابا بوده است آن‌ها از دیگران دزدیده‌اند، ما هم از آن‌ها می‌دزدیم" (همان: ۴۴۴-۴۴۵). این نکته نشان از ساختار

فکری مردم آن زمان بوده که اربابان و دولت از دسترنج آنان دزدی می‌کنند؛ چرا که دولت در ذهنیت عشایر سنبل امنیت نیست؛ بلکه خود در مقام بزرگترین دزد به بازتولید ناامنی در جامعه دامن می‌زند.

زمانی که گل محمد از عمو مندلو می‌خواهد که شترهای همدیگر را قطار کنند و با هم هیزم به سبزوار ببرند؛ عمو مندلو قبول نمی‌کند و استدلال می‌کند که "نمی‌بینی دله دزدها زیاد شده اند و سر راه بگیرها چقدر زیاد شده است" (همان: ۴۳۶). بنابراین گل محمد قصد می‌کند به تنهایی هیزم به سبزوار ببرد، خان عمو به گل محمد می‌گوید "تو جوانی می‌کنی که این شب‌ها یکه به راه می‌زنی راه‌ها ناامن است". ناامن بودن راه‌ها ناشی از زیادشدن دزدها بوده است و زمانی که گل محمد بار هیزم خود را به شهر سبزوار می‌رساند نویسنده توصیف می‌کند که "ولگردها و یتیم بچه‌ها به هیزم دزدی آمده بودند" (همان: ۴۹۹). درواقع دزدی یک واقعیت در صحنه اجتماعی آن زمان بوده است. از دلایلی که گل محمد امنیه‌ها را می‌کشد و علیه دولت مرکزی سر به طغیان برمی‌دارد رواج غارت و چپاولگری توسط ماموران امنیه بوده است. درواقع غارت‌گری در شرایط فقر اقتصادی و ناامنی از واقعیت‌های جداناپذیر زندگی ایلی بوده است. غارت‌گری آنان سبب می‌شده تا دایره دشمنی آنان زیاد باشد و امنیت آنان از جوانب مختلف تهدید شود (رزاقی، ۱۳۷۵: ۳۹). لازم به ذکر است که تاکید بر ناامنی راه‌ها خود نشان از ناکارآمدی نظام سیاسی در تامین امنیت شهرها دارد. ناکارآمدی تولید و فقر اقتصادی نیز که سبب‌ساز دزدی است نشان‌هایی از ناکارآمدی دولت در اجرای طرح‌های توسعه در کشور است.

- زمینه‌های سیاسی ناامنی در زیست ایلی

هویت سیاسی ایلی ایرانیان، به واسطه ساخت بسته و یک‌سویه نظام سیاسی، هویتی در خود و بسته بوده است. حال آن‌که راه رسیدن به امنیت و ثبات پایدار در زیست ایلی آن بوده که با گسترش ارتباطات درون‌گفتمانی و گفت-وگویی درونی در جهت یک فرهنگ ملی و شهروندی عاملی در جهت خروج ایلات از هویت در خود و تلاش در جهت دستیابی به هویت برای خود بوده، که به دلیل ناکارآمدی نظام سیاسی عصر پهلوی و علارغم برنامه مدرنیزاسیون آن تحولی در فرهنگ سیاسی ایلی روی نداد. لازم به ذکر است که برنامه نوسازی پهلوی دوم بیشتر متوجه شهر و روستا بود و روند تخریب زندگی و هویت ایلی هم‌چون دوره رضاشاه در این برهه از زمان نیز استمرار یافت.

برخی پژوهش‌گران به تاثیر ساختارهای سیاسی بر فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پیداشدن یک دیدگاه خاص نسبت ساخت قدرت تا حدود زیادی ناشی از عملکرد خود قدرت سیاسی است. مانند به وجود آمدن این دیدگاه که قدرت فاسد است تا حدود زیادی نتیجه عملکرد ضعیف دولت در عرصه مهار فساد است. لازم به ذکر است که فرهنگ سیاسی می‌تواند در ساختار سیاسی تحول ایجاد نماید. میان ساختار سیاسی و فرهنگ سیاسی یک رابطه تعامل و دو طرفه وجود دارد. بنابراین هماهنگی میان فرهنگ سیاسی و ساختار سیاسی از عوامل اصلی ثبات و پایداری سیاسی و اجتماعی است (شریف، ۱۳۸۱: ۲۰).

از جمله عواملی که موجب بروز ناامنی و بی‌ثباتی در زیست ایلی ایران شده، عدم توسعه یافتگی سیاسی نظام پهلوی بوده است. از جمله موارد ساختاری می‌توان به ناتوانی دولت در تامین امنیت، فساد نخبگان سیاسی، شخصی بودن قدرت و قوانین، تصور فسادآمیز مردم از دولت اشاره کرد.

ناتوانی دولت در تامین امنیت ناشی از فقدان حاکمیت قانون و عدم تعریف حقوق اجتماعی بوده است. در فرهنگ ایلی به دلیل عدم وجود الگوی رفتاری خاص، هرج و مرج و نبود تعهد سبب می‌شد تا حقوق اجتماعی به عنوان قواعد رفتار آدمی شکل نگیرد و در این جریان دولت نیز امنیت را به وسیله چماق تامین می‌کرد (رضاقلی، نخبه کشی: ۳۹-۴۱). فقدان حاکمیت قانون، موجب عدم توجه ماموران امنیه به قانون و امنیت می‌شد. چنانچه پس از کشتن حاج حسین چهار گوشلی علی‌اکبر حاج‌پسند می‌گوید "اگر امنیه‌ها بو برده باشند چه کار کنیم" گل محمد در

جواب می‌گوید "امنیه‌ها دایه بهتر از مادر که نیست. ..نظامی جماعت می‌رود که شکار کند نمی‌رود که شکار شود" (دولت آبادی، ۱۳۶۳: ۱۸۵) و یا زمانی که نادعلی به همراه ماموران امنیه به دنبال قاتل پدرش می‌روند؛ پس از مدتی از جست و جو خسته می‌شوند و ماموران جست و جو را بدون نتیجه رها می‌کنند. در واقع عدم توجه ماموران امنیه به امور داخلی کشور، یکی از دلایل به وجود آمدن ناامنی بوده است (همان: ۱۶۰). امنیه‌ها پس از تلاش ناموفق در پیدا کردن قاتل چاج حسین چهارگوشلی در قلعه عبدالله گبو از نادعلی خداحافظی می‌کنند، نادعلی به خانه خود بر می‌گردد و به مادرش می‌گوید "چه سال پلشتی بود امسال! این امنیه‌ها هم. ای. ای. دل کی برای آدم می‌سوزد؟ چشم همه به کیسه آدم است" (همان: ۲۸۷-۲۸۹). همین فضا سبب می‌شود تا خود نادعلی به تنهایی و بدون توجه به قانون و ماموران امنیه به جست و جوی قاتل پدرش بپردازد.

فساد نخبگان سیاسی نیز از عواملی بوده است که موجب بروز ناامنی می‌شد. دولت آبادی در این باره توصیف‌های جالبی می‌آورد. زمانی که بیگ محمد از دزدیده شدن خواهرش (شیرو) توسط ماه‌درویش مباشر باوقلی بندار آگاه می‌شود از خود سوال می‌کند "نشان دزد را که می‌توان گرفت؟ از داروغه. این نکته را تنها بیگ محمد می‌دانست. در این میان داروغه که بود؟ باوقلی بندار" (همان: ۲۴۰). ارتباط میان کلمه دزد و داروغه توصیف عجیبی است. یکی از عوامل به وجود آمدن ناامنی و بی اعتمادی در میان مردم در آن زمان ناشی از آن بوده است، که داروغه‌ها و کدخداها به عنوان نخبگان سیاسی با دزدها در ارتباط بوده‌اند و دولت آبادی چنان به پردازش این امر می‌پردازد که دزدان زیرچتر حمایتی داروغه نیز بوده‌اند. چنان که ماه‌درویش دزد خواهر بیگ محمد خدمتگزار و مباشر باوقلی بندار حاکم قلعه چمن بوده است.

در صحنه‌های دیگر، زمانی که گوسفندان میشکالی‌ها مرض می‌گیرند. ماهک (دختر خان عمو) به بلقیس می‌گوید که گوسفندان شادقلی نیز مرض گرفتند، بلقیس از ماهک دوباره سوال می‌کند "نگفتند آن‌ها چه خیالی برای چاره‌اش به- سر دارند؟" ماهک در جواب می‌گوید که "صمصام خان پزشک از مشهد آورده است. " بلقیس با لحنی از بغض در جواب به ماهک می‌گوید "صمصام خان می‌تواند. او ایلخانه... او با آدم‌های جادار و کلانی دست‌وداد دارد. ..بالاخره هر دادی سندی دارد" همانطور که مشاهده می‌شود تصویر مردم، از نخبگان سیاسی و اداری ایران تصویری توأم با فساد است. چنان که بلقیس در ادامه می‌گوید "اگر گوسفندان صمصام‌خان بمیرد چه کسی جلوی رئیس امنیه‌ها قوچ قربانی کند؟" (همان: ۳۲۲-۳۲۳). در ذهنیت ایلیاتی ایران تصویر از دولت و نخبگان سیاسی حاکم، تصویری توأم با فساد است. چنانچه بحران‌هایی که بعد از مشروطه بر اثر نزاع بین عشایر و دولت به وجود آمدند؛ ناشی از همین تصویر در ذهنیت ایلات بود.

توصیفات دولت آبادی از باوقلی بندار به عنوان حاکم قلعه چمن و نماینده دولت در اجرای قانون، نظم و امنیت با عناوینی چون "فروشنده قاچاق، عدم توجه به حقوق مردم، عدم اعتماد وی به مردم قلعه چمن، تاکید بر نفع‌طلبی و سودطلبی خودش، فساد با زنان نامحرم" همگی گویای آن است که مردم نسبت به او احساس خوبی ندارند. آنچه موجب می‌شده تا از وی اطاعت کنند؛ وابستگی مردم به باوقلی بندار بوده است. چنان که موسی استاد قالیباف بندار تاکید می‌کند بندار "لنگ همه را با نخ می‌بند کرده" و همه را وابسته خود کرده است.

آلاجقی نیز به عنوان یک شخصیت سیاسی فساد در رمان کلیدر تعریف شده است. زمانی که آلاجقی با سرگرد فربخش و نادعلی در خانه باوقلی بندار بود، آلاجقی از علت شکست ایران در سال‌های ۱۳۲۰ می‌گوید که چون ایران در آن زمان، سربازانی مانند نادعلی نداشته است شکست خورده است. فربخش در جواب آلاجقی در دل خود می‌گوید: علت شکست ایران در آن سال‌ها به علت وجود شخصیت‌های نفع‌طلب و فرصت‌طلبی افراد قدرتمندی همچون آلاجقی بوده است که گندم را احتکار می‌کنند نخبگان نظامی فرار می‌کنند و پادگان‌ها را غارت می‌کنند و سربازان بی‌پناه را تنها گذاشتن و "خانواده بزرگ ایران؛ فدای خانواده‌های کوچک شده است" و ادامه می‌دهد. تقصیر از سربازان ما نبوده است تقصیر از باشگاه‌های انگلیسی بوده است که تا صبح با سران کشور ما شراب می‌خوردند.

نظامیان زغال‌ها و... را سوار کامیون کردند برای خانواده خود بردند همه به دنبال غارت بودند و آن روز سربازان ما بی‌پناه بودند(همان: ۶۵۸-۶۵۹). در این تصویر دولت‌آبادی سعی کرده است که علت ناامنی و بی‌ثباتی جامعه ایرانی عصر پهلوی را ناشی از ذهن فسادانگیز و مطلق‌گرای نخبگان سیاسی آن رژیم بداند که امنیت را برای خانواده و قوم خود تعریف می‌کردند.

اما در این نوشتار در پی آن بوده ایم تا با روش مشاهده آزاد به ارائه تفسیر جدیدی از شخصیت گل محمد دست پیدا کنیم که درگیری گل محمد با حکومت مرکزی ناشی از دغدغه اصلی به نام تامین امنیت ایلی بوده است. چنان که گل محمد پس از کشتن امنیه به خان عمو می‌گوید ما دیگر شخص عادی نیستیم باید به دنبال یاریگیری و جمع کردن نیرو باشیم این نشان از ترس گل محمد از دولت مرکزی بوده است(رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۴).

نتیجه‌گیری

زمینه‌های ناامنی در فرهنگ سیاسی ایلات ایران، متأثر از باورهای فکری و فرهنگی به عنوان عامل ذهنی و ضعف ساختارهای اجتماعی و سیاسی به عنوان ساختارهای در رمان تحلیل شد. باورهای فکری که در زیست ایلی وجود دارد مانند باورهای بدگمانی ناشی از ساختار فکری بسته مردم است و یا ضعف اعتماد داخلی ناشی از اینکه مبنای اعتماد در زیست ایلی بر شبکه خویشاوندی گذاشته شده است و روحیه ستیزه‌جویی و انتقام‌جویی ناشی از روحیه خشونت‌گرایی همگی ناشی از آن بوده است که هویت ایلات ایران یک هویت بسته و ترس‌اندیشی بوده است. از سوی دیگر ساختارهای سیاسی و اجتماعی شکننده و ناتوان بوده‌اند. لذا ضعف این ساختارها از عوامل اصلی بازتولید ناامنی بوده است. از همین رو در ساختار اجتماعی آن زمان به علت فقر اقتصادی دزدی از یکدیگر برای تامین نیازهای اولیه یک عادت شده بود و ساختارهای سیاسی به علت فساد نخبگان و عدم نهادینه‌شدن قدرت و ضعف قانون موجب شد تا زیست ایلی ایران، باوری در خود تولید کند که فاقد امنیت است و شرایط زندگی‌اش هر لحظه از سوی عوامل مختلف در خطر است. این خطر چه از جانب طبیعت یا سایر قبایل و یا خطر از ناحیه دولت ذهنیت ایلات را شکل می‌داد تا همیشه خود را آماده نبرد بداند. در واقع بی‌توجهی دولت به مسئله امنیت، فساد نخبگان، عدم حاکمیت قانون موجب تولید ناامنی می‌شده است. از این رو نمایندگان دولتی به جای آنکه مجری قانون باشند؛ خود در مقام دیگری در ذهن عشایر ظاهر می‌شدند. لذا بروز زمینه‌های ناامنی و عدم ثبات به عنوان شاخص مهم فرهنگ و زندگی سیاسی ایلی متأثر از ویژگی‌های درونی خود فرهنگ سیاسی ایلی بوده که خود را در رشد گزاره‌هایی هم‌چون بدگمانی، انتقام‌جویی، محدودبودن دایره اعتماد و روحیه خشونت‌جویی در فرهنگ سیاسی ایلی نشان می‌داد.

منابع:

- ابراهیمی، نبی‌الله؛ «تاملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاک»؛ فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲؛ (پائیز)، ۱۳۸۶؛ صفحات ۴۳۹-۴۵۸.
- پای، لوسین؛ فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی؛ ترجمه مجید محمدی، پاییز و زمستان، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۰؛ صفحات ۳۷ تا ۴۷.
- دولت‌آبادی، محمود؛ کلیدر؛ جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران نشر پارس، ۱۳۶۳
- -----؛ کلیدر؛ جلد سوم و چهارم، چاپ سیزدهم، تهران: نشر معاصر و نشر چشمه، ۱۳۷۸
- -----؛ کلیدر؛ جلد پنجم و ششم، چاپ سوم، تهران: نشر پارس، ۱۳۶۳
- رزاقی، احمد؛ (۱۳۷۸) بازآفرینی واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی در رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما جمشید ایرانیان، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- رزاقی، علی؛ جامعه‌شناسی نخبه‌کشی؛ قائم مقام/امیرکبیر/مصدق؛ چاپ سی و دوم، تهران: نی، ۱۳۸۹.

بازاندیشی زمینه‌های نامنی در فرهنگ سیاسی عشایر عصر پهلوی: با تکیه بر تحلیل رمان کلیدر / ۱۳

- سریع القلم، محمود؛ *فرهنگ سیاسی ایران*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۶۸
- شریف، محمدرضا؛ *انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران*؛ تهران: نشر روزنه، ۱۳۸۱
- طیبی، حشمت الله؛ *مبانی جامعه‌شناسی ایلات و عشایر*؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- معینی علمداری، جهانگیر؛ *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست: اثبات گرایی تا فرا اثبات گرایی*؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰
- قنبری، یوسف؛ حسین پناه، فرحناز؛ «*مارال کلیدر و کهن‌الگوی زن ایرانی*»؛ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۳۹۱؛ صفحات ۶۳-۸۸.
- مصلی‌نژاد، عباس؛ *فرهنگ سیاسی ایران*؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات فرهنگ صبا، ۱۳۸۹
- مفیدی، آذردخت؛ *مطلق در ذهن ایرانی*؛ چاپ دوم، تهران: نشر قطره، ۱۳۹۳
- میرعابدینی، ؛ *صدسال داستان‌نویسی در ایران*؛ چاپ پنجم، تهران: جامی، ۱۳۷۷

